



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۹/۰۷/۲۴

عبدالقیوم میرزاده

## ملت منافع ملی دولت – ملت در افغانستان

به ادامه گذشته (قسمت دهم)

از بررسی که تا اینجا گفته آمدیم چنین استنباط میگردد که کنار نیامدن های مردم ما در جهت منافع ملی یا نبود هویت ملی نه تنها به دلیل تهاجمات خارجی بوده بلکه دلایل فراوانی غیر از اینست که جامعه ما را به قطب های متخاصم تقسیم کرده و هر کدام بدون در نظر داشت منافع همگانی یا بهتر بگوییم منافع ملی با آنکه ژرف میدانند این خصومت ها در درون کشور آب به آسیاب دشمن میریزد کماکان در آن بیراهه روانند.

خالی از مؤثریت و مفاد نخواهد بود تا این روحیه تساند، توافق، همدلی و اشتراک وجودی را برای نیل به منافع ملی در میان اقشار مختلف جامعه ما به ارزیابی مختصر بگیریم و ببینیم که در میان این اقشار تفکر منافع ملی چگونه سیر دارد و باور آنها در این زمینه در کدام سطح قرار دارد:

### در میان اندیشوران سیاسی و روشنفکران کشور

تجارب زنده از زنده گی و فعالیت سیاسیون مسئول و اندیشمندان سیاسی کشور ما که خود را در صف روشنفکران جامعه هم محسوب میدارند بوضوح میرساند که متأسفانه چنین نبوده است آنها تا کنون کمتر خود روشن بوده اند و هم ملی نیاندیشیده اند و پیوسته منافع شخصی، گروهی و تمویل گران اندیشویی و مالی خارجی شان را در کارزار سیاسی مطمع نظر داشته اند، خوب توجه کنید در یک صده متأخر کدام یک از این سیاسیونی که منافع ملت را فدای منافع شخصی، گروهی و یا فدای برآورده ساختن منافع کشور های خارجی کردند و میلیون ها زر و زور از این راه اندوختند میشناسید که در فضای آشوب زده کشور آرامش داشته و چهارصبای زنده گی شانرا با غنایمی که با معامله روی منافع ملی کشور شان چپاول کرده اند به آرامش سپری کرده باشند؟ و یا حتی در خارج از مرز هایی کشور ما هم چه از نظر روانی و چه از نظر جسمی گذر چند صبايي ما بقی زنده گی شان را با آرامش سپری کرده باشند؟ من با همه پرس وجو، پژوهش و تحقیقی که از کار و زنده گی شخصیت های سیاسی فراوانی دیروز و حال کشور ما چه در خارج از کشور و یا در داخل کشور انجام دادم جواب ام منفی است، مثال های فراوانی وجود دارد که این ها از سایه شان هراس دارند و کمتر لحظه ای از زنده گی را به آرامش سپری کرده اند و هیچ رهبر و شخصیتی از رهبری کشور در داخل و خارج کشور سراغ گرفته نتوانستم که با آرامش مادی و معنوی زنده گی داشته باشند. ولی اگر همین سیاسیون در

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دليکنی دليکنيزی بنی پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکی په خیر و لولی

محور منافع ملی برای کشور و مردم شان آزادی، آرامش، عزت، شرافت و رفاه همگانی می آورند، به انسان این وطن به مثابه شهروند خدمت می کردند و برای آنها حقوق و آزادیهای دموکراتیک قایل میگردیدند، منافع اجنبیان را اولویت نمیدادند، به دهل بیگانه نمیرقصیدند و مردم نا آگاه ما را هم به این دهل نمی رقصاندند امروز در میان مردم شان از نام نیکو برخوردار بوده با رفاه و آسایش نقش تاریخی می آفرینند و زنده گی آرام و مرفه همچو سایر هموطنان شان می داشتند.

سوگمنده این یک واقعیت است که همین سیاسیون یا روشنفکران معامله گر که منافع علیای مردم و کشور شان را بار بار معامله کرده اند بعضاً و یا اکثراً با پر رویی تمام تجمعات و سازمانهای سیاسی خویش را به اشتراک همفکران شان یا بصورت مخفی وزیر زمینی و یا هم در چوکات قوانین بصورت علنی ایجاد کرده و در جامعه حضور دارند. گرچه احزاب و سازمانهای سیاسی ایجاد شده بعد از اجلاس بن در افغانستان به همکاری مالی و نظریاتی سازمانهای غیر دولتی خارجی (NGO) ها ایجاد شده اند که بیشترین مصروف فرصت سازی و زمینه سازی برای مقاصد سیاسی، اقتصادی و نظامی کشور های خارجی و پروژه هایشان میباشند. که عده قابل توجه شان برای فریب اذهان عامه خطوط فکری و برنامه های جذاب با رویکرد های ملی طرح و تدوین کرده اند که اگر حمایت کننده گان خارجی یا NGO ها کانالهای کمک های مالی را قطع کنند همه این سازمانها و تجمعات نیز همزمان با قطع کمک مالی از بین میروند. ما در دو دهه اخیر شاهد ده ها مورد این ایجاد ها و سقوط ها در میان سازمانهای سیاسی ایجاد شده در کشور مان بودیم.

در حقیقت امر در هر کجای دنیا مردم دیدگاه ها و نظریات گونه گونه و متفاوتی دارند معمولاً در کشور های پیشرفته که مردم از آگاهی بیشتر برخوردار اند احزاب سیاسی بمنظور جلوگیری از تشتت و پراگنده گی جامعه در و رای دیدگاه ها و نظریات نا همگون و تأمین منافع اقلیت و کنگوری های مختلف جامعه ایجاد میگردد. هر کدام با دلایل عالمانه بر پایه تفکر علمی برنامه ها و نظریات شانرا ارائه میکنند و هم دارنده گان نظر مخالف همچنان بر پایه استدلال و دانش علمی در رد این نظریات میباشند. در این جوامع همه احزاب و سازمان های سیاسی نظریات شان را در قالب برنامه ها و طرز العمل ها گنجانیده و برای تحقق آن حمایت اکثریت جامعه و نماینده گان انتخابی را کسب کرده و از طرق دیموکراتیک این برنامه را بر طبق منافع عمومی کشور شان مشروعیت می بخشند نباید به برنامه ها، دیدگاه ها و نظریات اجتماعی که منافع ملی را تأمین میکند و باید برای همه مردم کشور قابل بحث و گفتگو باشد رنگ ایدئولوژیک داد و آنرا از بحث عمومی خارج کرده و به بحث یک کتله کوچک ایدئالیست تبدیل کرد. دو عنصر اساسی ترین معرف چهره احزاب سیاسی میباشد، یکی دیدگاه این حزب یا احزاب از منافع ملی و دیگری برنامه تطبیقی و تحقیقی منافع ملی آنها در جامعه. احزاب سیاسی بخاطر تشکل مردم برای تأمین منافع عمومی و رفاه عامه ایجاد میگردد که توجه اش هم در زمان حاکمیت سیاسی و هم در زمان اپوزسیون یا قشر مخالف دولت بیشتر در راه وضع قوانین و مقررره ها برای رفاه همگانی، سیاست خارجی مناسب و فعالیت سازمانها و احزاب معطوف باشد، ولی در کشور ما با آنکه احزاب سیاسی تنیده در جال عنکبوت ایدئولوژی های وارداتی راست و چپ مدینه های فاضله مسکو- پکن - ریاض - قاهره و انترناسیونالیزم های کارگری و اسلامی قرار داشتند، با آنهم فعالیت های این احزاب و سازمانها در دهه های شصت و هفتاد میلادی در افغانستان برای اولین بار راه تظاهرات و اعتصابات مسالمت آمیز برای مطالبات صنفی کارگران، بلند بردن دستمزد ها، اصلاح سیستم تعلیم و تربیه و تحصیلات عالی، مسایل ملی را باز کرده و در بیداری شعور سیاسی و آگاهی مردم نقش بزرگی ایفا کرد، برای اولین بار در جامعه ما در موجودیت سیستم حکومت استبدادی مردم حق ابراز نظر را از طریق نشرات چاپی، تظاهرات خیابانی، بیانات رادیویی، بحث در فرکسیون های پارلمانی پیدا کردند. بدین ترتیب مردم عوام توانستند نظریات شانرا در باره سیستم اداره و نارسایی های آن، فساد اداری، قانون شکنی، اختلاس، رشوت و عوامل بحرانات کشور و راه های برون رفت از این بحرانات را از طریق همین نشریه های چپ و راست ارائه و منتشر کنند. متأسفانه در افغانستان به استثناء تشکلات سید جمال الدین افغان در عصر محمد افضل خان و امیر شیر علی خان عنصر حزب و احزاب سیاسی بیشتر حیثیت جنبش های رهایی بخش از سلطه استعمار را داشته و عده هم برای براندازی و سرنگونی حکومت های به قول خودشان مستبد ایجاد گردیده بود و چون بحث منافع ملی در برنامه های آنها متصور نبود تا مردم را بدور آن احزاب بر پایه منافع ملی جمع کند بناً بیشتر از حربه ایدئولوژی های مذهبی و سیکولار استفاده کرده و توانمندی و حماسه سازی این ایدئولوژی ها تا براندازی همان حکومت های مورد نظر کارایی داشتند و بنا بر نبود برنامه مدون تأمین کننده منافع ملی و یک گفتگو عمومی برای آینده از همان روز اول دستیابی به قدرت سیاسی بر سر تقسیم منافع به جان هم افتاده و هر کدام و هر شخص این احزاب به یک قطب و یک شگاف اجتماعی بدل گشتند و جامعه را به قهقرای قرون وسطایی بردند، ایدئولوژی ها را بیشتر کشور هاییکه منافع آزمندان دارند طرح، تدوین، صادر و مدیریت میکنند. کشور پاکستان بر اساس همین ایدئولوژی مذهبی از سرزمین های نیم قاره هند و افغانستان در راستای منافع استراتژی یک انگلیس ایجاد گردید.

گرچه نمیتوان امروز از احزاب چپ و راست و میانه تعریف به مفهوم بنیادی آن که در زمان پس از انقلاب فرانسه در مجلس ملی فرانسه بنیان گذاشته شده بود یعنی اینکه آنهاييکه طرفدار دگرگونی های جامعه به نفع مردم عوام و زحمتکشان بودند، طرفداران انقلاب و جمهوری خواهان و نماینده گان طرفدار تغییرات قوانین فرانسه بطرف چپ رئیس مجلس ملی فرانسه و نماینده گان محافظه کار، طرفداران سیستم پادشاهی و مخالفین تغییرات اساسی قوانین و مقررات بطرف راست رئیس مجلس عوام و نماینده گان میانه رو که با هر دو یعنی چپ و راست میتوانستند توافق کنند در وسط مقابل رئیس مجلس عوام می نشستند و این اصطلاحات سیاسی از همان زمان وارد قاموس سیاسی گردید، ارائه کرد و در رهگذر بیش از دوصد سال این اصطلاحات مفاهیمی متنوعی را بخود گرفته و تقریباً میتوان گفت که کاربرد آن بیشتر بر پایه منافع گروه های تحت پوشش بوده و بدین ترتیب امروز تمایز و تفکیک گروه های چپ، راست و میانه کاریست بسیار دشوار. این مسئله در مورد کشور های شرقی که ایدئولوژی ها ملاک سنجه هایشان میباشد نه تنها برای مردم عوام بلکه برای سیاسیون و نخبه گان سیاسی هم سوء تفاهمات بزرگی را بمیان می آورد که هم در روابط عمومی داخلی و هم در روابط خارجی با کشور ها باعث سردرگمی رهبران شده و تأثیرات بسیار زیانبار در جامعه وارد میکند. روابط تنگاتنگ احزاب راست اسلامی ما در دهه نود و بویژه بعد از توطئه انتقال قدرت در کابل با کشور پاکستان و قطع روابط با سایر کشور هاییکه میتوانستند در شرایط دشوار در اعمار مجدد کشور ما را یاری برسانند باعث گردیده که خسارات زیانباری را طی سه دهه کشور و مردم ما متحمل گردند و در درازنای فعالیت احزاب سیاسی مثالهای فراوانی میتوان ارائه کرد. در کشور ما احزاب چپ درپرتو ایدئولوژی های صادر شده از اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و جمهوری خلق چین در همکاری و پیوند با احزاب مماثل در کشورهای ایران و هندوستان بدون در نظر داشت تحلیل دانشمندان بر پایه منافع ملی و اوضاع کشور شان، بدون در نظر داشت خاستگاه تیوری های وارداتی و شرایط تحقق آن در جوامع عقب مانده پیشامدرن چون افغانستان به کاپی کاری و تکرار طوطی وار آن بحث هایی پرداختند که برای نه تنها مردم عام ما بلکه برای نخبه گان سیاسی و اجتماعی هم نا آشنا و غیر قابل فهم بود چون نتوانستند مردم را بدور برنامه های وارداتی شان جمع کنند به دامن قوم و سمت چسبیدند تا از این طریق از حمایت مردمی برخوردار گردند که البته این مسئله دقیقاً در استراتژی های صادر کننده گان این ایدئولوژی ها هم شامل بوده است تا با استفاده از عنصر قوم، قبیله و سمت انقطابات بزرگی را در کشور ما ایجاد کرده و از آن در مواقع مورد ضرورت بهره برداری کنند. چپ و راست همواره یک مفهوم را ارائه نکرده، در هر کجایی صادر کننده گان این ایدئولوژی ها به آن رنگ و بویی دلخواه خود را میدهند. در هر جا نظر به کار ایی این حربه استفاده میگردد، نه راست راست مطلق بوده و نه چپ چپ مطلق با مفاهیم بنیادی آن بوده است تا کنون در افغانستان هر کدام حربه ایی بوده برای اغفال مردم و سوء استفاده در راستای منافع بیگانگان.

احزاب راست و راست افراطی هم با الگو سازی های نابخردانه از جوامع دیگر و نبود فهم درست از وضعیت کشور خود ما نخست به دامن انگلیس - آمریکا و همسایگانی افتیدند که جز تباهی کشور و مردم ما چیزی دیگر در سیاست هایشان روایت نشده بود، از یکطرف دشمنی های بزرگی را برای مردمان منطقه مسبب گشتند و از طرف دیگر با این کار برای سالهای متمادی منطقه را پر آشوب ساخته و توازن قوا را در منطقه و حتی جهان برهم زدند. که کفاره همه این آشوب ها و عدم توازن قوا را مردم بیچاره و بی دفاع ما به قیمت جانهای شان می پردازند. (پایان قسمت دهم)

ادامه دارد